

متن پیاده سازی شده جلسه نود و نهم خارج اصول 12 اسفند 1399

بسمه تعالی

دوران امر بین نسخ و تخصیص؛ بررسی، نقد و تحقیق نهایی

پرسش : شما روز گذشته بیان کردید که بر مبنای الکلام الواحد نسخی نداریم و جریانی که در اسلام وجود دارد، جریان الکلام الواحد است در حالی که در زمان پیامبر ص نسخ گزارش شده است.

پاسخ : ما هنوز به این مسأله ورود جدی نکرده ایم؛ آیا جریان جاری در شریعت، الکلام الواحد است یا کلام الواحد است یا حتی کلام المتعدد؟ انشاءالله در کتاب دوم روش شناسی اجتهاد (نظریه اطمینان) قرار است بحث کنیم. اما نکته دیگر اینکه اگر می گوئیم الکلام الواحد، نسبت به کلمات ائمه ع با قرآن و با پیامبر ص در زمان ما مقصود است نه برای مسلمانان زمان پیامبر ص که ممکن بود حکمی را بشنوند بعد نسخ گردد چه حکم واقعی چه حکم حکومتی. پس الان برای ما نسبت به تراش، جریان الکلام الواحد را جاری می گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

طبیعتاً سه تا کار در مرحله تحقیق صورت می گیرد، اولاً مسأله بررسی و تحلیل می شود فارغ از نظرات افراد، دوم نقد هایی که ممکن است خیلی هم جدی باشند بر کلمات بزرگان وارد می شود و سوم نظریه پردازی می کنیم.

سابقاً سال تحصیلی 84-85 از جلسه 5 تا 9 به این مبحث پرداختیم اگر کسی خواست می تواند ملاحظه کند اما الان به گونه ی دیگری بحث خواهیم کرد. کلمات بزرگان از نجف و قم نقل شد، اولین مسأله ای که امروز باید به آن پرداخت این است که محور کانونی اشکال در مسأله کجاست؟ در دوران امر بین نسخ و تخصیص، نقطه اصلی چیست؟ کجا باید متمرکز شد؟ نکند گیر مسأله در جای دیگری باشد که ما در آن گفتگو نمی کنیم؟ چه اینکه بزرگان توجه داشته باشند چه نداشته باشند.

دوم اینکه جایی تمرکز شود که برای آیندگان بعد از عصر انقطاع وحی اثر داشته باشد؛ در تعبیر چند تن از بزرگان از جمله کلام آخر آقای خوئی آمده است : باید قائل به تخصیص شد به دو جهت لذا لم یلتزم احدٌ باحتمال النسخ نسبت به کلمات معصومین، این نکته در کلام جمعی از اصولیون هست. خب اگر احتمال نسخ وجود ندارد یا بحث را تعطیل کنیم یا روی نقطه محوری تمرکز کنیم.

اعتقاد ما در مورد مشکل مسأله این است : یک معضلی در ارتباط با نصوص وجود دارد اینکه در شریعت مطهر عمومات و مطلقاتی هست که ابتدا آمده اند [بحث ما تا کنون در عام و خاص بود اما الان مطلق را هم اضافه کردیم، مقصود علما هم همین بوده است] عمدتاً در قرآن چنین عموماتی آمده است «أوفوا بالعقود» «الا ان تكون تجارتاً» «أحل الله البيع» یا آیات در حج و... همچنین در کلمات مثل صادقین ع خصوصاتی [هنوز قضاوت نمی کنیم که مخصص هستند یا خیر] آمده است؛ بسیاری از این عمومات هم، زمان عمل به آن ها رسیده بود تا اینکه از طرف صادقین علیهما السلام و سائر ائمه ع بارش ادله صورت گرفت. اینجا این پرسش پیش می آید که آیا این ها ناسخ هستند یا مخصص و مقید؟

اگر بگوئیم ناسخ هستند با وجدان فقها سازگاری ندارد که کارخانه نسخ یا بیان نسخ توسط صادقین ع ساخته شده باشد؛ فقها این ها را مخصص یا گاهی مفسر می شمردند. اگر هم مخصص باشند، تأخیر بیان از وقت حاجت پیش می آید. اینجا بود که شیخ انصاری سه تا راه حل مطرح کرد، بعضی هم آن راه ها را ضروری البطلان دانستند که خیلی تند و قابل نقد است. پس مشکل این است که با این همه خاص و قید وارده از ائمه ع بعد از عمل به عمومات چه کار کنیم؟ پس ای کاش به جای بحث

دوران امر بین نسخ و تخصیص، از این مشکل سخن به میان می‌آید.

البته مقصود این نیست که در زمان پیامبر ص عام و خاص یا مطلق و مقید نبوده است بلکه در آن زمان بوده و مسلمانان هم مشکل خود را حل می‌کردند اما برای ما ثمره ندارد و ما باید مشکل خود را حل نماییم.

خب این یک فرض بود، یعنی مطلقات و عموماتی آمده بعد در زمان ائمه ع خصوصاتی وارد شده است؛ بر عکس این مطلب یعنی ابتدا خاص آمده باشد بعد عام یا مطلق هم ممکن است اما الان موردی برای آن سراغ نداریم. بلکه بعید نیست خاصی از امام باقر ع و عام از امام صادق ع آمده باشد؛ این فرض احتمالش بیشتر است اما بنا شد همه این‌ها به صدر اسلام برگردد و تقدم و تأخر آن‌ها حساب نشود. لذا ما روی نقطه اول تمرکز می‌کنیم که نقطه محوری است.

عنوان شماره یک «محور کانونی اشکال در مسأله» بود که پیدا شد. عمومات و مطلقاتی در صدر اسلام وجود دارد که صد سال بعد خاص آن‌ها آمده است.

نکته دوم: در بحث‌های اصول، [که منطق فهم است نه فقط اصول فقه] باید دید در غیر محیط اسلام هم مطرح هست یا خیر؟

اگر هست آن‌ها چه کار می‌کنند؟ یعنی معادل یابی از غیر صحن شریعت برای مورد و بومی سازی حتی الامکانی آن.

هدف ما این است که اگر مشابه این مسأله از غیر اسلام وجود داشت باید دید عقلاً با عقل خودشان چه کار می‌کنند، این خیلی به درد ما می‌خورد. مثلاً یک انقلابی اتفاق بیوفتد [فرض هم این است که در اسلام تشریح و بیان آن تدریجی بوده است و احیاناً نسخ هم صورت گرفته است] و مسئولان انقلاب بخواهند مصوبات و مقرراتی داشته باشند مانند آنچه در جمهوری اسلامی رخ داد. آیا مصوبات خاص بعدی، مخصص قبلی‌ها حساب می‌شود یا نسخ آن‌ها؟ ادامه بحث فردا انشاءالله.

الحمد لله رب العالمین